

# حکمرانی در سال ۲۰۳۰

خلاصه راهبردی از:

Julia Pomares Belén Abdala,  
Global Governance in 2030, T 20, 2018

معاونت پژوهش‌های سیاسی – حقوقی  
گروه مطالعات بنیادین حکومتی

کد موضوعی: ۳۳۰  
شماره مسلسل: ۱۶۶۶۹  
مهرماه ۱۳۹۸

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱.....	چکیده.....
۲.....	مقدمه.....
۴.....	فصل اول - سه نیروی شکل دهنده به آینده.....
۷.....	فصل دوم - آینده حکمرانی جهانی.....
۱۹.....	نتیجه گیری.....
۲۲.....	منابع و مأخذ.....



# حکمرانی در سال ۲۰۳۰

خلاصه راهبردی از:

**Julia Pomares Belén Abdala,**  
**Global Governance in 2030, T 20, 2018**

## چکیده

در گزارش پیش رو چهار سناریوی احتمالی برای آینده حکمرانی تا سال ۲۰۳۰ بررسی شده است. سناریوهای بررسی شده در این گزارش براساس سه نیروی اصلی شکل‌دهنده به آینده حکمرانی در سطح جهان نوشته شده است:

الف) پیشرفت‌های تکنولوژیک

ب) تغییرات جمعیتی

ج) دگرگونی در قدرت اقتصادی در سطح جهان

در حالی که انقلاب تکنولوژیک زندگی ما را دگرگون کرده است؛ فرایندهای حکمرانی نیز از تغییرات ایجاد شده توسط پیشرفت‌های تکنولوژیک مصون نبوده‌اند. همچنین در این گزارش توجه خاصی به رو به پیری گذاشتن جمعیت به‌عنوان متغیری مهم در تغییر ساختارهای حکمرانی در سطح جهانی شده است. در نهایت توازن میان قدرت اقتصادی با قدرت سیاسی به‌عنوان متغیر سوم مورد مطالعه قرار گرفته است.

در بسیاری از سناریوهای تحلیل شده مشخص شد که حمایت‌گرایی، ملی‌گرایی و زوال ساختارهای حکمرانی در جهان نقش اصلی را در آینده حکمرانی ایفا می‌نمایند. از سوی دیگر بسیاری از دگرگونی‌های انجام شده در ساختار حکمرانی در سطح جهانی بوده و بر بازیگران محلی تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل در این گزارش بر پیوند میان تغییرات انجام شده در ساختار حکمرانی در دو سطح محلی و جهانی تأکید شده است.<sup>۱</sup>

### مقدمه

ما در عصر تغییرات بی‌سابقه زندگی می‌کنیم. عمده کشورها با چالش‌های جدیدی در جهان جهانی شده روبه‌رو شده‌اند. آنها مجبور به دست‌وپنجه نرم کردن با پیشرفت‌های تکنولوژیک، تغییرات در قدرت‌های اقتصادی در سطح جهان، پیری جمعیت شهری شدن فزاینده هستند.

وضعیت امروزین نشان‌دهنده آن است که فرایند جذب اجتماعی به وعده‌های تحقق نیافته بدل شده و انسجام اجتماعی ضعیف شده است. بعضی از شهروندان سرخورده شده و سیستم‌های سیاسی در انطباق و پاسخ‌دهی به تقاضاهای جدید دچار مشکل شده‌اند. در مردم‌سالاری‌ها نیز نگرش‌های هواداری مردم‌سالاری در حال آمیخته شدن با نوعی از گشودگی به طرف اشکال غیردمکراتیک حکمرانی است همانند: حکومت توسط متخصصان، رهبران قدرتمند و یا نظامی‌گری. تصویر فوق ممکن است بخشی از دوره گذار باشد یا نشان‌دهنده این است که سیاست‌های موجود قادر به انطباق با بعضی چالش‌های

۱. آنچه در این سند آمده نظر نویسنده بوده و این گزارش فقط برای آشنایی نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تهیه شده و منابع آن نیز به سند ۲۰۳۰ مربوط می‌شود.



جدید نیست. به همین دلیل ما نیازمند آنیم که به آینده سیاست و نحوه شکل دادن روندهای تغییرآفرین موجود به حکمرانی جهان در ۱۰ تا ۲۰ سال پیش رو، بیندیشیم. آیا نظامی‌های سیاسی آمادگی مدیریت اقتصاد دیجیتالی را دارند؟ چگونه رهبران سیاسی باید با تغییرات رادیکال در جهانی خودکار و ماشینی شده مواجه شوند؟ روندهای تغییرآفرین چه پیامدهایی برای حکمرانی جهانی خواهد داشت؟

این گزارش روندهای جهانی اخیر در عرصه سیاست و سناریوهای احتمالی درباره آینده سیاست را بررسی می‌نماید. به همین منظور این گزارش توصیفی مختصر از سه نیروی اصلی شکل‌دهنده به آینده را بررسی می‌کند.

الف) پیشرفت‌های تکنولوژیک

ب) تغییرات جمعیتی

ج) دگرگونی در قدرت اقتصادی در سطح جهان

ما در عصر دولت‌های ملی زندگی می‌کنیم به همین دلیل نخست باید تلاش کنیم تا بفهمیم نیروهای تغییرآفرین ذکر شده چگونه به سیاست‌های داخلی شکل می‌دهند. سپس می‌توان به حکمرانی در سطح جهان نگاه کرده و تلاش کنیم که بفهمیم چگونه در مرحله بعد این نیروها به تبانی در عرصه جهانی شکل می‌دهند.

## فصل اول – سه نیروی شکل‌دهنده به آینده

ما در جهانی زندگی می‌کنیم که در آن تغییرات سریع، عدم قطعیت و پیچیدگی‌ها مرتباً در حال افزایش است. با وجود این روندهای کلان‌اندکی هستند که ما درباره وقوع آن در سال‌های آتی آگاه هستیم. اگر بخواهیم از پیشرفت‌های تکنولوژیکی شروع کنیم باید بگوییم که اتوماسیون، رباتیک و هوش مصنوعی مرتباً در حال پیشرفت سریع هستند و ماهیت و تعداد شغل‌های موجود را تغییر می‌دهند.

انقلاب دیجیتالی به شکلی بی‌سابقه بر اقتصادهای ما در حال تأثیرگذاری است. ۱۰ هزار سال طول کشید تا از عصر شکار فاصله بگیریم. اما بعضی ارزیابی‌ها و تخمین‌ها حاکی از آن است که دگرگونی بنیادین بعدی تنها ظرف پانزده سال شروع خواهد شد (Grinin, 2007, Sogeti 2019).

تکنولوژی این توان را دارد که به بهبود زندگی ما، افزایش بهره‌وری، بالا بردن استانداردهای زندگی و فراهم کردن امکان تمرکز بر پیشرفت شخصی بینجامد. تکنولوژی همچنین بر شیوه‌های تعامل ما با یکدیگر، تأسیس حوزه عمومی، ایجاد امکانات لازم برای شهروندان به منظور رصد کردن رفتار دولت‌هایشان و... تأثیر می‌گذارد. جنبه‌های ذکر شده پرسش‌های جدیدی را پیش روی ما می‌نهد: اگر حکومت‌ها توان بیشتری برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات به شیوه‌ای انتخاب شده دارند، آیا در مقابل شهروندان امکان مسئولیت‌پذیر کردن بیشتر آنها را دارند؟ آیا اشکال جدیدی از نمایندگی در حال ظهور است؟ چگونه ارتباطات میان شهروندان و سیاستمداران باید تحول یابد؟



عمق و دامنه تغییرات در عصر تکنولوژی‌های دیجیتالی، امکان کنار آمدن با چالش‌های جهانی را برای مدل‌های گوناگون حکمرانی‌های موجود دشوار کرده است. همه پاسخ‌هایی که با هدف تجدید و صیانت از سیاست صورت می‌گیرد نیازمند توجه به این مسائل کلان و همچنین درک این مسئله است که مرزی برای اینترنت قابل تصور نیست. نیروی دومی که به آینده شکل می‌دهد دگرگونی در قدرت‌های اقتصادی در سطح جهانی است. همچنان که سیستم ارزیابی سیاستگذاری و استراتژی اروپایی که در سال ۲۰۱۷ منتشر می‌شد نشان می‌دهد، توازن قوا در سیستم جهانی به طور قابل توجهی در ۱۰ سال اخیر دگرگون شده و این روند احتمالاً تا سال ۲۰۳۰ نیز تداوم می‌یابد: چین حضور جهانی خود را افزایش داده است و روزبه‌روز بیشتر به قدرتی منطقه‌ای بدل می‌شود. روسیه نیز تمایل بیشتری برای مداخله در دیگر کشورها نشان می‌دهد.

کشورهای درحال توسعه سریع اقتصادی مخصوصاً کشورهایی که جمعیت کارگری بزرگی دارند، مرتباً سهم خود را از تولید ناخالصی داخلی در سطح جهانی افزایش می‌دهند. کشورهای درحال توسعه بزرگ‌ترین چالشی که با آن مواجهند، افزایش مداوم شکافشان با کشورهای توسعه‌یافته به دلیل تکنولوژی است. ساختار سیاسی در جهان به طرف چندقطبی شدن درحال حرکت است. همچنین امکان ظهور تنش میان کشورهای توسعه‌یافته با کشورهای درحال توسعه وجود دارد (Ohno, 2011). در صورت وقوع این دگرگونی در میان قدرت‌های اقتصادی، ما شاهد ظهور پارادایم جدیدی در عرصه روابط بین‌الملل خواهیم بود که آینده‌پژوهی آن دشوار است.

نیروی سوم تغییرات جمعیتی است که پرسش‌های متعددی را درباره پایداری محیطی، اقتصادی و اجتماعی به وجود می‌آورد. جز استثنای محدود، جمعیت جهان رو

به پیری است. در سال ۲۰۱۵، تعداد ۹۰۱ میلیون نفر بالای شصت سال در جهان زندگی می‌کردند که ۱۲ درصد کل جمعیت جهان را شامل می‌شد.

در سال ۲۰۵۰ پیش‌بینی می‌شود که در تمام جهان (به‌استثنای آفریقا) حداقل یک‌چهارم جمعیت بالای شصت سال باشند. چنین چیزی می‌تواند بر اقتصاد، نهادهای مختلف و دولت‌ها فشار وارد کند. زندگی طولانی‌تر بر هزینه‌های درمان، مدل‌های تجارت و نیروی کار تأثیرگذار خواهد بود. حکومت‌ها نیز با کاهش مصرف و فشار فزاینده بر خدمات اجتماعی، مواجه خواهند شد. البته تغییرات جمعیتی بر احتمال وقوع مخاطرات جدی نیز اثر می‌گذارد. قدرتی در حال ظهور با جمعیتی جوان بیشتر مستعد انواع مخاطرات و تهدیدات است.

هم‌زمان تمرکز زیاد مردم در نواحی شهری به دلایل مختلف همانند فرصت‌های بیشتر و یا احساس امنیت بیشتر رخ خواهد داد. حرکت جمعیت در جهان به‌سوی شهرها تشدید خواهد شد. براساس گزارش شهرهای جهان سازمان ملل<sup>۱</sup> تا سال ۲۰۳۰، دوسوم جمعیت جهان در شهرها زندگی خواهند کرد.

سه نیروی ذکر شده مرتب در حال ایجاد دگرگونی بوده و سناریوهای نرمالی را که انتظار وقوع آنها را داریم، تغییر می‌دهد. آنچه در مواجهه با این عدم قطعیت‌ها باید بدانیم آن است که سیاست نیازمند تطابق و دگرگون شدن در پاسخ به روندهای اقتصادی و اجتماعی در حال تغییر است. نحوه پاسخ دادن دولت‌ها، اصناف و جوامع گوناگون به روندهای شناخته شده و چالش‌های ایجاد شده است که به سال‌های آتی شکل می‌دهد.

---

1. UN'S World Cities Report, 2016.





## فصل دوم - آینده حکمرانی جهانی

به دلیل فرایند جهانی شدن، ساختارهای فراملیتی نقش محوری در سال‌های اخیر یافته‌اند. البته آینده این ساختارهای فراملیتی نامطمئن و مبهم است. نه تنها تجارت جهانی به دلیل شرکت‌های بزرگ اینترنتی همانند علی‌بابا و آمازون تغییر یافته است، بلکه هم‌زمان سیستم‌های حکمرانی جهان از کمبود مشروعیت رنج می‌برند. این مشکل نیازمند تأمل جدی برای یافتن راه‌حلی برای آن به منظور جلوگیری از چنددستگی در حکمرانی جهانی است (Zun, 2018).

در حالی که هنوز هم بعضی کشورها بر اهمیت همکاری‌های بین‌المللی تأکید می‌کنند، اما کشورهایی هم وجود دارند که همانند انگلستان به دلیل حساسیت‌های ملی‌گرایانه به خروج از نهادهای از پیش وضع شده و موجود رأی می‌دهند. فرایندهای تصمیم‌گیری، ساختارها و روایت‌ها نیازمند تغییر هستند. اما این نخستین بار نیست که مدل‌های حکمرانی نیازمند بازاندیشی هستند. گذار از جوامع کشاورزی به جوامع صنعتی در قرن نوزدهم احساس نیاز به نهادهای جدید برای مدیریت مسائل مربوط به امنیت ملی را به وجود آورد. جنگ جهانی دوم به ایجاد سازمان ملل انجامید.

امروزه پیشرفت‌های انجام شده در عرصه تکنولوژی‌های دیجیتالی تمام ابعاد خصوصی و عمومی زندگی ما را از یک طرف و تأثیرات آن بر حکمرانی در سطح جهان را از طرف دیگر تغییر داده است. داده‌های بزرگ و تحلیل‌های آینده‌پژوهانه می‌تواند بر فرایندهای تصمیم‌گیری اثرگذار باشد. سیستم‌های حکمرانی دیجیتالی ممکن است سرمایه‌گذاری‌های عمومی را به وسیله آسان‌تر و ارزان‌تر کردن روند مشارکت، افزایش دهند

(Tzezana, 2017). تکنولوژی‌های جدید به‌طور بنیادین می‌تواند مدل‌های کسب کمک‌هزینه مالی را برای سازمان‌های بین‌المللی دگرگون کند و محیط جدیدی برای حکمرانی مبتنی بر داده فراهم نماید که واجد ویژگی‌های شفاف‌بودگی و بی‌طرفی است. ساختارهای حکمرانی آینده چگونه خواهند بود. بعضی از محققان بر این باورند که مدل‌های تمرکزگرایانه از حکمرانی اعتبارشان را از دست داده و در آینده ما شاهد ظهور مدل‌های غیرتمرکزگرایانه از حکمرانی خواهیم بود که به‌وسیله سازمان ملل تسهیل خواهد شد (Orban, 2017). بعضی دیگر اما بر این باورند که روند موجود بر پارادایم جدیدی اشاره دارد که در آن بخش خصوصی و بخش سوم به‌طور فعالانه‌تری در سیاست‌ها و ساختارهای حکمرانی جهانی مشارکت خواهند کرد (Joshi 2017, Muggah and Tiberghien 2018).

در گفتگویی که در این باره در مدرسه آینده‌های بین‌المللی انجام شد، متخصصان مختلف به این نتیجه رسیدند که حکمرانی جهان می‌تواند به سوی مدل چندقطبی دولت‌محور حرکت کند. در این مدل حکمرانی جهانی از طریق شبکه‌هایی از دولت‌ها، کمپانی‌های خصوصی و گروه‌های مدنی اتفاق می‌افتد.

مشخص است که سیستم حکمرانی در جهان باید میان کارآمدی و جذب هرچه بیشتر انسان‌ها توازن برقرار کرده و هیچ گروهی از انسان‌ها را به حاشیه نراند و صداهای هرچه بیشتری شنیده شود (Kawaguchi, 2017) دستیابی به مشارکت عمومی هرچه بیشتر و سهمیم کردن شهروندان در فرایندهای حکمرانی هدف غایی مهمی در این زمینه است، به‌خصوص از آنجایی که بیشتر مردم خودشان را به‌عنوان شهروندان جهانی می‌شناسند (Milkoreit, 2017) تغییر دیگری که در سطح جهان رخ داده است،



دگرگونی در اندازه و توزیع شرکت‌ها و کمپانی‌ها در سراسر جهان است. شبکه‌ها همیشه بخشی از تجارت بوده‌اند، اما اینترنت باعث شده که شرکت‌های شبکه‌ای شده به سطح متفاوت‌تری انتقال یابند. اینترنت باعث شده خریداران و فروشندگان سریع‌تر از گذشته امکان مواجهه با همدیگر را داشته باشند. فرایند فروش نوعی از عدم تمرکز را تجربه می‌کند. تمرکززدایی لزوماً به این معناست که نگاه واضح و مشخصی درباره اینکه اقتصاد چگونه و کجا می‌رود وجود ندارد. همچنین به معنای شکسته شدن ساختارهای سلسله‌مراتبی میان واحدهای اقتصادی است. شرکت‌های بزرگ نیز مرتباً به توسعه هرچه بیشتر نرم‌افزارها و الگوریتم‌هایی روی می‌آورند که بیشتر کارهایشان را انجام می‌دهد. به دلایل فوق بیشتر کمپانی‌های بزرگ شروع به انطباق دادن خود با ساختارهای انعطاف‌پذیرتر و نامتمرکز کرده‌اند. همچنین این شرکت‌ها به نوآوری هرچه بیشتر در بخش‌های مربوط به نوآوری روی آورده‌اند تا برای تغییرات ناگهانی در اکوسیستم‌شان بیشتر هماهنگ باشند.

به‌رغم گرایش ذکر شده به طرف اقتصاد تمرکززدا و پراکنده شده، ما شاهد فرایند مخالف آن نیز هستیم. در سال‌های اخیر نوعی از تمرکزگرایی مجدد بیشتر صنایع رخ داده است. امروزه کمتر از ۱۰ درصد کمپانی‌های بزرگ جهان بیش از ۸۰ درصد سود کمپانی‌های جهان را در اختیار دارند. اقتصاددانان متعدد درباره خطر شرکت‌های غول‌پیکر در حوزه فناوری همانند گوگل، اپل، مایکروسافت، فیس‌بوک و آمازون مرتباً هشدار می‌دهند.

چگونه دو روند متفاوت ذکر شده در آینده تحول می‌یابند؟ آیا ما با جهانی که در آن نوآوری‌ها و کارآفرینی‌های نامتمرکز حاکم خواهند بود، روبه‌رو خواهیم شد یا بالعکس

جهانی خواهیم داشت که شرکت‌های کوچک همه قدرت اقتصادی را در دست خواهند داشت؟ چگونه این سناریوها با تغییرات رخ داده در حکمرانی در سطح جهان و چالش‌های جهانی همزیستی پیدا می‌کند؟ در صفحات بعدی با توجه به دو حوزه فراملی یعنی اندازه شرکت‌ها و نوع ساختار حکمرانی به این مسائل می‌پردازیم.

## ۱. سناریو اول

در جهانی که قدرت اقتصادی به‌طور جهانی در دست اقلیتی محدود است و قدرت سیاسی تکه‌تکه است، آنچه به‌خوبی خودش را نمایان می‌کند، نابرابری است. تفاوت‌های منطقه‌ای افزایش خواهد یافت. زیرا شهرها برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگی که وجود دارند به رقابت می‌پردازند.

بدون صدای واحد قدرتمندی برای مذاکره، رهبران محلی زمان دشواری را برای مذاکره با بنگاه‌های خصوصی، قدرتمند و متمرکز خواهند داشت. همچنین آنها در مواجهه با چالش‌های پدیدار شده به‌خصوص در نواحی کمتر توسعه‌یافته دچار مشکل می‌شوند.

در این سناریو دسترسی به راه‌حلهایی برای مسائلی همچون تغییرات آب و هوایی دشوار است. زیرا همکاری‌های انجام شده عمدتاً توسط شرکت‌های بزرگ است که براساس منافع شخصی عمل می‌کنند. همچنین در این سناریو، این بخش خصوصی است که در واقع در حال مدیریت است. دگرگونی‌های رخ داده در قدرت‌های اقتصادی جهانی بدین معناست که بازارهای نوظهور بر اقتصادهای توسعه‌یافته غلبه پیدا می‌کنند. با داشتن کمپانی‌های کوچکی که در حال کنترل بیشتر بازار جهان هستند انتظار می‌رود که شرکت‌های بزرگ موفق به موفق‌ترین اقتصادها همانند چین و هند تعلق داشته باشند. در



این چارچوب، هویت‌های محلی به‌دلیل قدرت همگون‌ساز شرکت‌های بزرگ در سراسر جهان تهدید می‌شوند (که البته می‌تواند باعث افزایش مهاجرت و گوناگونی بیشتر در داخل شهرها شود). طراحی و تولید متمرکز خواهد شد، ولی تفاوت‌های منطقه‌ای عمیق در حوزه‌های مختلف تولید، الگوهای مصرف و استانداردهای زندگی تداوم خواهد یافت. از آنجایی که قدرت سیاسی، جهت‌گیری محلی می‌یابد، انتظار می‌رود که میان قدرت سیاسی و شرکت‌های محلی تنش‌هایی به‌وجود بیاید. حکومت‌ها در جوامع کمتر توسعه‌یافته مرتباً با خطر تضعیف همبستگی اجتماعی روبه‌رو خواهند بود. حداقل از نظر تئوریک، شرکت‌های بزرگ نیازمند رشد و توسعه شهرها هستند: آنها نیازمند کارگران ماهر، سطح بالای مصرف و دیگر شاخص‌های توسعه هستند. بنابراین آنها تلاش می‌کنند تا به کارآفرینان محلی انگیزه بدهند. در صورت عدم وقوع چنین چیزی، مخاطرات بزرگ به وجود خواهد آمد.

تصمیم به اشتراک گذاشتن تکنولوژی و اطلاعات میان واحدهای محلی به تشخیص شرکت‌های بزرگ بوده و عمدتاً در بخش خصوصی خواهد بود. بنابراین مقررات فرامرزی بر توسعه تکنولوژی احتمال وقوع کمتری دارد.

در این سناریوی احتمالی برای آینده، تغییرات جمعیتی دشواری‌های بزرگی را هم برای جوانان و هم شهروندان مسن به‌وجود می‌آورد. چنین چیزی مخصوصاً در جوامع کمتر توسعه‌یافته بیشتر تشدید می‌شود. زیرا تحرک و جابه‌جایی عمدتاً توسط سرمایه شخصی خواهد بود تا سیاست‌های حکومتی. به‌طور کلی مشخصه این سناریوی محتمل برای آینده، نابرابری است. تضاد منطقه‌ای براساس شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی می‌تواند ظاهر شود. شهرها و کشورها برای جذب سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ با

همدیگر به رقابت می‌پردازند. این شرکت‌ها می‌توانند خواسته‌های خود را به حکومت‌های محلی تحمیل کنند.

خلاصه مؤلفه‌های اصلی در پیش‌بینی سناریوی نخست برای آینده حکمرانی:

۱. به‌خطر افتادن انسجام اجتماعی،
۲. همگونی جهانی و هویت‌های محلی ضعیف‌تر،
۳. مرزهای بسته،
۴. شکاف زیاد میان مناطق مختلف،
۵. جابه‌جایی و تحرک جغرافیایی شرکت‌های بزرگ،
۶. تسهیل نوآوری توسط شرکت‌های بزرگ،
۷. تصمیم‌گیری درباره به اشتراک گذاشتن تکنولوژی توسط شرکت‌های بزرگ،
۸. کمپانی‌های بزرگ عمدتاً چینی یا هندی،
۹. تأثیرپذیری حکومت‌ها از خواست‌های شرکت‌های بزرگ.

## ۲. سناریو دوم

وجود شرکت‌ها و کمپانی‌های بزرگ و حکمرانی جهانی، محیط نسبتاً امنی را به وجود می‌آورد که هر دو این بازیگران بتوانند به شکل مساوی در توسعه هر چه بیشتر تکنولوژی سهیم باشند و دانش و اطلاعات‌شان را به اشتراک بگذارند. این همکاری باعث می‌شود نوعی از توازن به وجود بیاید: هیچ‌کدام از قدرت‌های اقتصادی یا سیاسی در مقابل دیگری مغلوب نخواهد شد. در این سناریوی احتمالی برای آینده حکمرانی در سطح جهان،



احتمال انجام نوآوری بیشتر بوده و ما شاهد همکاری و راه‌حل‌های بین‌المللی برای چالش‌های جهانی خواهیم بود.

پرسش‌های زیادی وجود دارد که چگونه می‌توان در جهانی که قدرت‌های اقتصادی وسیعی به‌طور تنگاتنگ با محیط جهانی وابسته‌اند، به مشارکت سیاسی پرداخت. تکنولوژی می‌تواند به‌عنوان عاملی تسهیل‌گر در حکومت‌های مردم‌سالار به خدمت گرفته شود. اما مستقل از نوع نظام سیاسی، چنین ساختاری به این معناست که قدرت هرچه بیشتر متمرکز شده است.

در این سناریو، کمپانی‌های بزرگ و حکومت‌های مختلف در سطح جهان احتمالاً به‌مثابه هم‌پیمان و متحد با یکدیگر عمل می‌کنند. از آنجایی که کمپانی‌های بزرگ واجد اطلاعات و تکنولوژی‌های روز هستند آن را به شکلی استراتژیک در خدمت خود می‌گیرند. چنین جهانی نیازمند سیاستمداران کارآزموده‌ای است که بازی دوگانه‌ای را انجام بدهند. یعنی در عین همکاری با کمپانی‌های بزرگ به وضع مقررات و قواعد لازم در سطح جهانی نیز دست بزنند. دگرگونی در قدرت‌های اقتصادی در سطح جهان به معنای پدیدار شدن تنش سیاسی در اقتصادهای غربی است. تنها وسیله‌ای که آنها برای جبران این کمبود می‌توانند به کار بگیرند، استفاده از قدرت نرم در ساختارهای حکمرانی جهانی است. به میزانی که کمپانی‌های بزرگ سررشته امور را در دست می‌گیرند، نوآوری‌های تکنولوژیک دست به اولویت‌بندی می‌زنند. در این سناریو، جهانی پیش‌بینی شده است که جهان روبات‌ها و ذخیره‌سازی داده‌های قدرتمند با توزیع نابرابر دانش تکنولوژیک و دسترسی به آن است.

با وجود این، اشکالی از همکاری میان حکومت‌ها در نظام جهانی و کمپانی‌های بزرگ برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات و نوآوری‌ها به وجود خواهد آمد. البته این همکاری اگرچه می‌تواند به ایجاد نوآوری بیشتر در اوقات فراغت بینجامد اما هم‌زمان می‌تواند بیکاری بیشتری را نیز ایجاد کند.

در حوزه تغییرات جمعیتی نیز افزایش سن جمعیت را تا حدودی می‌توان از طریق درآمدهای عمومی و مالیات‌های وضع شده در سطح جهانی مدیریت کرد. همکاری‌های بین‌المللی بدین معناست که در حوزه تغییرات جمعیتی تدوین و گسترش هرچه بیشتر سیاست‌های مهاجرتی می‌تواند به حل چالش‌های جمعیتی کمک کند. البته چنین چیزی بدین معناست که آزادی کمتری برای انتخاب وجود خواهد داشت و جوانان در کشورهای فقیر در سختی به سر خواهند برد.

خلاصه مؤلفه‌های اصلی در پیش‌بینی سناریوی دوم برای آینده حکمرانی:

۱. کمپانی‌های بزرگ در غرب برای توجیه ضرورت خود، نیازمند استفاده از قدرت نرم در سطح جهانی هستند،
۲. درآمدهای همگانی و وضع مالیات در سطح جهانی می‌تواند به حل مشکل پیری جمعیت کمک کند،
۳. مقررات کنترلی وضع شده می‌تواند به محافظت بیشتر از داده‌ها و دیگر اموری که به مصلحت همگان است بینجامد،
۴. اتصال مرزها به همدیگر،
۵. دسترسی عمومی بیشتر به تکنولوژی،





۶. نوعی از تعادل میان قدرت اقتصادی و سیاسی به نوعی که هیچ کدام نتواند بر دیگری غلبه پیدا کند.

### ۳. سناریو سوم

در این سناریو، احساس قدرتمندی از تعلق اجتماعی نقش ایفا می‌کند که در آن شرکت‌های کوچک در جوامع عمل می‌کنند که دارای حکمرانی محلی باشند. رهبران داخلی در این جهان پیش‌بینی شده برای آینده، به هویت‌های محلی به‌عنوان منبعی برای مشروعیت‌یابی نگاه می‌کنند تا بدین وسیله بقای خود را در قدرت بیشتر کرده و انسجام اجتماعی را افزایش دهند. البته در این سناریو احتمال تجربه سطوح بالایی از فقر و تفاوتی میان مناطق مختلف می‌رود. همچنین احتمال قدرت گرفتن مجدد نیروهای انحصارطلب بالا ارزیابی می‌شود. کشورهای کمتر توسعه‌یافته مجال کمتری برای رشد و شکوفایی می‌یابند و دولت‌های ثروتمندتر انگیزه‌های بیشتری برای بستن مرزهای خود پیدا می‌کنند. در این جهان پیش‌بینی شده، ایدئولوژی‌های ملی‌گرا و سیاست‌های حمایتی خود را در هر دو سیستم‌های مردم‌سالار و اقتدارگرا نشان می‌دهند.

هم‌زمان تغییر در توزیع قدرت (حداقل در جایی که قدرت اقتصادی در سطح جهان نامتمرکز است) به معنای تکه‌تکه شدن قدرت اقتصادی واحدی در سراسر جهان است. در چنین جهانی برای کشورهای در حال توسعه بسیار دشوار است که بتوانند توسعه پیدا کرده و در نهایت قدرت اقتصادی را در سطح جهان دگرگون کنند.

توافقات چندجانبه می‌تواند رخ دهد، اما پایداری آن به منافع داخلی و حکومت‌های امضاکننده این توافقات بستگی دارد.

بدین ترتیب تنها زمانی می‌توان بر سر یک مسئله به اجماع جهانی رسید که از نظر محلی سودبخش قلمداد شود. اما قطعاً فقدان کامل همگرایی بدین معنا خواهد بود که دسترسی به توافقات بین‌المللی نیازمند حل آن به شکل جهانی است که بسیار دشوار خواهد بود.

همچنین پیشرفت‌های تکنولوژیک به اشتراک گذاشته نخواهد شد. به دلیل محلی بودن قدرت سیاسی و اقتصادی، جوامع و شرکت‌های محلی احتمالاً به طرف واحدهای تخصصی‌ای میل پیدا می‌کنند که محصولات را با کیفیت بالا، اما برای مصرف محلی و بازار کوچک داخلی تولید نمایند. چنین چیزی به تقویت اختلافات منطقه‌ای و ملی می‌انجامد. همچنین تا حدودی رقابت‌های منطقه‌ای را تشدید می‌کند و واحدهای محلی که به شکل منطقه‌ای سازمان یافته‌اند مطابق نیازهای تولیدی‌شان عمل می‌کنند. ضعف همکاری می‌تواند باعث کمتر شدن شتاب نوآوری‌ها و یا حتی عقب‌گرد تکنولوژیک شود. در نهایت به تغییرات جمعیتی می‌رسیم. افزایش جمعیت جهان و حرکت به سمت مراکز شهری منجر به نابرابری منطقه‌ای می‌شود و شهرها توانایی بازتوزیع منابع و مردم را نخواهند داشت. شهرها برای دسترسی هرچه بیشتر به نیروی کار ماهر جوان به رقابت با هم می‌پردازند. در این سناریو مهاجرت‌های جهانی چندان دشوار نخواهد بود. زیرا شهرها انگیزه کافی برای ایجاد مقررات و چارچوب‌های لازم را در سطح جهانی برای جلوگیری از مهاجرت نخواهند داشت.

چالش فوق برای جمعیت رو به سن گذاشته هم صادق است. حکومت‌های محلی در مواجهه با این چالش‌ها تنها بوده و همکاری‌های بین‌المللی در این مورد ضعیف خواهد



بود. چنین وضعیتی باعث رشد احساسی و نیاز به مسئولیت‌پذیری بین منطقی و وجود راهبران خوب خواهد شد.

خلاصه مؤلفه‌های اصلی در پیش‌بینی سناریوی سوم برای آینده حکمرانی:

۱. رقابت بر سر نیروی کار ماهر،
۲. رشد هویت‌های محلی،
۳. احساس نیاز به توافقات دوجانبه سودبخش،
۴. تشدید رقابت‌های منطقه‌ای،
۵. فقدان قدرت اقتصادی مسلط در سطح جهان،
۶. مشکلات جهانی به شکل لاینحل باقی خواهند ماند،
۷. ضعف همکاری و در نتیجه تضعیف نوآوری.

#### ۴. سناریوی چهارم

این سناریو بیشتر درباره سیستم‌هایی صادق است که مجموعه انبوهی از نهادهای خاص را دربر می‌گیرد که شامل الگوهای برای اقتدار و مشروعیت‌یابی است. همچنین در این سیستم‌ها اصول هنجاری عامی برای همکاری با شرکت‌های کوچک وجود دارد. ساختارهای حکمرانی جهانی به تقویت و توانمندسازی شبکه‌های شرکت‌های کوچک می‌پردازند. سطوحی از مشارکت همراه با گوناگونی وجود خواهد داشت.

سناریوی چهارم پیش‌بینی شده برای آینده حکمرانی بر تعامل میان حوزه‌های متفاوت اقتدار در درون سیستم تأکید دارد که شامل روابط با اعضای دولتی و غیردولتی است. یک سیستم خوب دربرگیرنده ابزارهای لازم برای مدیریت حوزه‌های متفاوت اقتدار

است. حداقل حکومت ظرفیت حل مشکلات بزرگ و جهانی را دارد و قادر است در سطح جهانی به مصالح عمومی خدمت کند.

مسائل مهمی در حوزه سیاستگذاری وجود دارد که باید در کشمکش میان شرکت‌های کوچک در اقتصاد جهانی از یک طرف و حکمرانی در سطح جهان به آنها توجه کرد. در میان این مسائل مهم، نیاز شدیدی به آموزش عمومی، سیستم کسب درآمد در سطح جهانی، تقسیم تکنولوژی و مقررات مربوط به مالکیت داده وجود دارد. بنابراین پیشرفت‌های تکنولوژیک را می‌توان به اشتراک گذاشت. نه تنها تکنولوژی بدین شیوه در دسترس همگان خواهد بود، بلکه بیشتر جمعیت نسبت به آخرین دستاوردهای تکنولوژی روز آگاه خواهند بود.

از آنجایی که در این سناریو عملکرد اقتصاد در حوزه محلی پیش‌بینی می‌شود، پیشرفت‌های تکنولوژیک تسهیلگر کارآمدی هرچه بیشتر در سطح محلی خواهد بود. چنین چیزی می‌تواند تنش‌هایی میان فاکتورهای محلی با ساختارهای حکمرانی جهانی را به وجود آورد.

در مورد دگرگونی در قدرت اقتصادی در سطح جهان نیز باید گفت که یا شرکت‌های کوچک وسایل لازم را برای اجتماع محلی‌شان فراهم می‌کنند و یا شبکه‌های سیاسی و تکنولوژیک امکان تجارت بین‌المللی را برای اصناف کوچک به وجود می‌آورند. بدین ترتیب محصولات محلی در بازار جهانی خوبی به فروش می‌رسند. در نتیجه هویت‌های محلی نیز مجال شکوفایی بیشتر می‌یابند.

در این سناریو احتمال همکاری‌های بین دولتی می‌رود. اجماع لازم برای مواجهه با مشکلات در سطح جهانی آسان‌تر خواهد بود. ساختارهای حکمرانی در سطح جهان جابه‌جایی و مهاجرت مردم را تسهیل می‌کنند. در چنین جهانی تغییرات جمعیتی راه‌حل



مبتنی بر همکاری لازم را می‌یابد. البته این جهان می‌تواند جهان امنیت اجتماعی کمتر و آزادی کمتر برای انتخاب باشد.

خلاصه مؤلفه‌های اصلی در پیش‌بینی سناریوی چهارم برای آینده حکمرانی:

۱. رهبران سیاسی اگرچه به هویت‌های محلی نیز متوسل می‌شوند، اما این امر مانع

از همکاری‌های آنها در سطح جهانی نخواهد شد،

۲. پیشرفت‌های تکنولوژیک در سطح جهانی در دسترس هر دو خواهد بود،

۳. احساس نیاز به ارائه:

الف) آموزش بهتر،

ب) سیستمی برای کسب درآمد در سطح جهانی،

ج) محافظت هرچه بیشتر از داده‌ها.

۴. راه‌حلی مبتنی بر همکاری برای مسئله مهاجرت،

۵. مرزهای متصل به همدیگر،

۶. حرکت آزادانه مردم به مناطق نیازمند نیروی کار.

### نتیجه‌گیری

نیروهای تعیین‌کننده آینده، ابزارهای بیشتری را (در جهت بهتر شدن یا بدتر شدن) در اختیار تصمیم‌گیران قرار می‌دهند. آنها روندهای موجود را تقویت کرده و سناریوهای جدیدی را رقم می‌زنند. البته در عین حال چالش‌های جدیدی را نیز می‌آفرینند. همگی ما به این واقعیت واقفیم که تکنولوژی در حال تکامل بوده و به طور غیر قابل برگشتی

در حال دگرگون کردن بسیاری از جنبه‌های زندگی ماست. همچنین می‌دانیم که ماهیت قدرت و حاملین آن در حال دگرگونی است. شهرها در حال تغییرند و جمعیت به سوی پیر شدن حرکت می‌کند. آنچه هنوز نامشخص است اینکه این نیروها ما را به کجا می‌برند. هدف از گزارش حاضر، اندیشیدن به راه‌های ممکن پیش روی ماست. در واقع هر کدام از چهار سناریوی بررسی شده برای آینده حکمرانی، دلالت‌های خاص خود را برای سیاستگذاری دارد. بدیهی است که چه در حوزه داخلی و چه در حوزه بین‌المللی، هر کدام از راه‌هایی که ما برویم تأثیر زیادی بر زندگی مردم خواهد داشت.

بر اساس سناریوهای تحلیل شده این سند مشخص شد که حمایت‌گرایی، ملی‌گرایی و زوال ساختارهای حکمرانی در جهان نقش اصلی را در آینده حکمرانی ایفا می‌کنند.<sup>۱</sup> بنابراین اقدامات همکاری جویانه‌ای که سیاستمداران را به طرف وضع قراردادهایی همچون قرارداد پاریس درباره تغییرات آب و هوایی و یا کمیته جهانی درباره اهداف توسعه پایدار سازمان ملل کشاند دیگر امکان‌پذیر نخواهد بود. این گزینه‌های احتمالی همگی بر نوعی از بی‌تمایلی به مواجهه با فرصت‌ها و مشکلات ذاتاً جهانی پیش روی همه دنیا دلالت دارد. برای مثال به مبحث مقررات قانونی برای هوش مصنوعی می‌توان نگریست. استفاده از تصمیم‌گیری اتوماتیک که عمدتاً توسط الگوریتم‌ها انجام می‌شود به طور بسیار سریعی در حال غلبه بر محیط‌های کاری است. الگوریتم‌ها تصمیمات کلیدی را در محیط کاری می‌گیرند و به شکل بی‌سابقه در حال تعیین حقوق و فرصت‌های آتی ما هستند.

الگوریتم‌هایی که به شکل خوبی نوشته شده باشند می‌توانند به رشد اقتصادی کمک کنند، نوآوری‌های کاری را افزایش داده و به مردم برای استفاده مؤثرتر از زمانی که در اختیار

۱. در این سند دیگر احتمالاتی که به نحوی می‌توانند نقش‌آفرینی کنند، نادیده گرفته شده‌اند.



دارند کمک می‌کنند. همچنین گفتگویی جدی درباره تأثیر هوش مصنوعی و رباتیک‌ها بر روی بازار اشتغال در جریان است. دولت‌ها با نیازی شدید به چارچوب‌های حقوقی درباره هوش مصنوعی و همکاری بین‌المللی مواجه شده‌اند. (Twomeg et al 2018)

ساختن آینده‌ای پایدار که جهان نیازمند آن است به سرمایه‌گذاری بر روی حوزه‌های متعدد نیاز دارد. همانند فراهم کردن انرژی پاک، زیرساخت‌های ارتباطی و... علاوه بر این شهرها ۸۰ درصد تولید ناخالص داخلی در سطح جهان را تولید کرده و هم‌زمان ۷۰ درصد گازهای گلخانه‌ای را در سطح جهان ایجاد می‌کنند (Mckinseg and Company 2011) نیازهای فزاینده‌ای به توانمندسازی شهرها به‌عنوان کنشگران اصلی برای کاهش تغییرات آب و هوایی و آماده‌سازی محیط‌های شهری مطابق با اهداف سازگار با محیط زیست احساس می‌شود. مهاجرت‌های بین‌المللی دیگر پدیده‌ای است که بر بیشتر کشورها تأثیر گذاشته است. با وجود این بحث‌های حول و حوش آن بسیار ضعیف بوده که عمدتاً از روی پیش‌داوری و سوءتفاهم درباره محرک‌های آن، انواع مهاجرت و تأثیرات آن بر کشور مبدأ و مقصد می‌باشد. سیستم‌های جمع‌آوری داده و منابع کسب داده از نظر کیفی و عددی متفاوتند. بنابراین ساختارهای مبتنی بر همکاری بین‌المللی می‌توانند در جستجوی توافقاتی درباره تعاریف و استانداردهای حداقلی برای جمع‌آوری داده‌های صحیح در این باره باشند.

در نهایت مسائل مربوط به توسعه به بخش لاینفکی از سیاست داخلی کشورها بدل شده و در حال تبدیل به مسائل حاد اقتصادی، دیپلماتیک و امنیتی است (ohno, 2011). اهداف توسعه پایدار سازمان ملل<sup>۱</sup> در تلاش است تا چارچوبی جامع و بین‌رشته‌ای را برای سیاست‌های اتخاذ شده برای توسعه تعریف نماید. از جمله این اهداف حذف فقر شدید تا

---

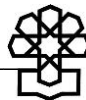
1. The UN Sustainable Development Goals

سال ۲۰۳۰، ارتقای مفهوم خوشبختی مشترک و حمایت از توسعه پایدار برای همگان است. سناریوهای ذکر شده در این گزارش نوعی از یادآوری برای نیاز شدید به گفتگوی جدی درباره چگونگی دگرگونی ساختارهای حکمرانی در آینده نزدیک است.

### منابع و مأخذ

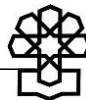
1. Acemoglu, D., & Robinson, J. A. (2007). Economic origins of dictatorship and democracy. *Daedalus* (Vol. 136). <https://doi.org/10.1162/daed.2007.136.1.160>
2. Albrieu, R.; Aneja, U.; Chetty, K.; Mathur, V.; Rapetti, M.; Uhlig, A. (2018). La innovación tecnológica y el futuro del trabajo: una mirada desde el Sur. T20 Argentina. Retrieved from: <https://t20argentina.org/es/publicacion/technological-innovation-and-the-future-of-work-a-view-from-the-south-2/>
3. Acharya, A. (2016). The future of global governance. *Global Governance*, 22(September), 453–460.
4. Angwin, J., Larson, J., Kirchner, L & Mattu, S. (2016, May 23). Machine bias. ProPublica. Retrieved August 2, 2018 from <https://www.propublica.org/article/machine-bias-risk-assessments-in-criminal-sentencing>
6. Atzori, M. (2017). Promoting sustainable development at the global level through the blockchain technology. In *Global Challenges Quarterly Report: Global Governance in the Age of*
7. *Disruptive Technology* (pp. 53 - 57). Global Challenges Foundation. Retrieved from <https://api.globalchallenges.org/static/files/Global-Challenges-Quarterly-Risk-Report-November-2017.pdf>
8. Bogost, I. (2017, July 10). Cryptocurrency might be a path to authoritarianism. *The Atlantic*. Retrieved August 2, 2018, from <https://www.theatlantic.com/technology/archive/2017/05/blockchain-of-command/528543/>
9. Boix, C. (2003). *Democracy and redistribution*. Cambridge University Press.





10. Cohen, M. J., Lupu, N., & Zechmeister, E. J. (2017). The political culture of democracy in the Americas, 2016/17: A comparative study of democracy and governance. Latin America Public Opinion Project (LAPOP), Vanderbilt University. Retrieved from [https://www.vanderbilt.edu/lapop/ab2016/AB2016-17\\_Comparative\\_Report\\_English\\_V2\\_FINAL\\_090117\\_W.pdf](https://www.vanderbilt.edu/lapop/ab2016/AB2016-17_Comparative_Report_English_V2_FINAL_090117_W.pdf)
11. De Mesquita, B. B., Smith, A., Morrow, J. D., & Siverson, R. M. (2005). The logic of political survival. MIT Press.
12. Deacon, R. T. (2009). Public good provision under dictatorship and democracy. *Public Choice*, 139(1-2), 241-262.
13. Dragu, T., & Lupu, Y. (2017). Does technology undermine authoritarian governments? Retrieved from <https://www.researchgate.net/publication/320161838>
14. Edelman. (2017). 2017 Edelman Trust Barometer 2017. Retrieved from [https://www.slideshare.net/EdelmanInsights/2017-edelman-trust-barometer-global-results-71035413?ref=http://www.edelman.com/global-results/\\_26](https://www.slideshare.net/EdelmanInsights/2017-edelman-trust-barometer-global-results-71035413?ref=http://www.edelman.com/global-results/_26)
15. European Parliamentary Research Service. (2017). Global trends to 2035: Geo-politics and international power. European Parliamentary Research System, European Parliament. <https://doi.org/10.2861/800293>
16. Epstein, R., & Robertson, R. E. (2015). The search engine manipulation effect (SEME) and its possible impact on the outcomes of elections. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 112(33), E4512-E4521.
17. Fleurbaey, M. (2018). Political innovation for a better governance. T20 Argentina. Retrieved from <https://t20argentina.org/wp-content/uploads/2018/07/TF8-8.5-Political-innovation-v3.pdf>
18. Gayo-Avello, D. (2015). Social media and authoritarianism. *SSRN Electronic Journal*. <https://doi.org/10.2139/ssrn.2878705>
19. Geddes, B. (1999). What do we know about democratization after twenty years? *Annual Review of Political Science*, 2(1), 115-144.
20. Gonzales, E., Hommes, M., & Mirmulstein, M. L. (2014). MSME Country Indicators: Towards a better understanding of micro, small, and medium enterprises. Analysis Note, (December), 1–28. World Bank Group. Retrieved from <https://www.smefinanceforum.org/sites/default/files/analysis%20note.pdf>
21. Gray, A. (2017, January 16). These are the world's 10 biggest corporate giants.

- World Economic Forum. Retrieved August 1, 2018, from <https://www.weforum.org/agenda/2017/01/worlds-biggest-corporate-giants/>
22. Grimalda, G. & Tänzler, N. (2018). Understanding and fostering social cohesion. T20 Argentina. Retrieved from <https://t20argentina.org/wp-content/uploads/2018/07/TF8-8.1-Social-cohesion- Policy-Brief-Version-II.pdf>
  23. Grossman, G. M., & Helpman, E. (1995). Trade wars and trade talks. *Journal of Political Economy*, 103(4), 675-708.
  24. Guriev, S., & Treisman, D. (2015). How modern dictators survive: An informational theory of the new authoritarianism. <https://doi.org/10.3386/w21136>
  25. Huntington, S. P. (1991). Democracy's third wave. *Journal of Democracy*, 2(2).
  26. Ohno, I. (2011). The Strategic Environment Surrounding the Developing Countries and Japan's Development Cooperation: To Be a Global Civilian Power – In *The World and Japan's Foreign Policy in the Future: Prospects in 20 Years*. JIIA.
  - Joshi, S. (2016). Privatization of global governance. In *Global Challenges Quarterly Risk Report: Remodeling Global Cooperation* (pp. 61 – 67). Global Challenges Foundation. Retrieved from <https://api.globalchallenges.org/static/reports/Global-Challenges-Quarterly-Risk-Report-November-2016.pdf>
  28. Kawaguchi, Y. (2017). International governance: balancing inclusion and efficiency. In *Global Challenges Quarterly Report: Global Governance for Global Citizens* (pp. 25 - 29). Global Challenges Foundation. Retrieved from: <https://api.globalchallenges.org/static/files/Global-Challenges-Quarterly-Risk-Report-September-2017.pdf>
  29. Kilpi, E. (2015, February 16). The Future of firms. Is there an app for that? Medium. Retrieved July 3, 2018, from <https://medium.com/@EskoKilpi/movement-of-thought-that-led-to-airbnb-and-uber-9d4da5e3da3a>
  30. Kopstein, J. (2017, April 05). How AI could be the perfect weapon for authoritarian leaders. *The Week*. Retrieved August 2, 2018, from <http://theweek.com/articles/689998/how-ai-could-perfect-weapon-authoritarian-leaders>
  31. Levitsky, S., & Ziblatt, D. (2018). *How democracies die*. Crown.



32. Lührmann, A., Dahlum, S., Lindberg, S., Maxwell, L., Mechkova, V., Olin, M., Pillai, S., Sanhueza Petrarca, C., Sigman, R. & Stepanova, N. (2018) Democracy for all? – The V-Dem Annual Democracy Report 2018. Varieties of Democracies Institute (V-Dem), University of Gothenburg. Retrieved from [https://www.v-dem.net/media/filer\\_public/68/51/685150f0-47e1-4d03-97bc-45609c3f158d/v-dem annual dem report 2018.pdf](https://www.v-dem.net/media/filer_public/68/51/685150f0-47e1-4d03-97bc-45609c3f158d/v-dem_annual_dem_report_2018.pdf)
33. Madden, M., Rainie, L., Zickuhr, K., Duggan, M., & Smith, A. (2014). Public perceptions of privacy and security in the post-Snowden era. Pew Research Center, 3–57. <https://doi.org/202.419.4372>
34. McKinsey Global Institute. (2011). Urban world: Mapping the economic power of the cities. McKinsey & Company. [https://www.mckinsey.com/~/\\_/media/McKinsey/Featured%20Insights/Urbanization/Urban%20world/MGI\\_urban\\_world\\_mapping\\_economic\\_power\\_of\\_cities\\_full\\_report.ashx](https://www.mckinsey.com/~/_/media/McKinsey/Featured%20Insights/Urbanization/Urban%20world/MGI_urban_world_mapping_economic_power_of_cities_full_report.ashx)
35. Manson, J. (2018, March 29). VPN usage, data privacy & internet penetration statistics. The Best VPN. Retrieved August 1, 2018 from <https://thebestvpn.com/vpn-usage-statistics/>
36. Milkoreit, M. (2017). Who cares about global governance? In Global Challenges Quarterly Report: Global Governance for Global Citizens (pp. 67 - 73). Global Challenges Foundation. Retrieved from <https://api.globalchallenges.org/static/files/Global-Challenges-Quarterly-Risk-Report-September-2017.pdf>
37. Mims, C. (2018, May 31). Tech’s titans tiptoe toward monopoly. The Wall Street Journal. Retrieved August 1, 2018, from <https://www.wsj.com/articles/techs-titans-tiptoe-toward-monopoly-1527783845>
38. Muggah, R. & Tiberghien, Y. (2018). The future global order will be managed by China and the US - get used to it. World Economic Forum. Retrieved August 1, 2018, from <https://www.weforum.org/agenda/2018/02/the-future-global-order-will-be-managed-by-china-and-the-us-get-used-to-it/>
39. Neate, R. (2018, January 3). Apple leads race to become world’s first \$1tn company. The Guardian. Retrieved August 1, 2018, from

<https://www.theguardian.com/business/2018/jan/03/apple-leads-race-to-become-world-first-1tn-dollar-company>

40. Nofal, B.; Coremberg, A.; Sartorio, L. (2018). Datos, medición e iniciativas para la digitalización inclusiva y el futuro del trabajo. T20 Argentina. Retrieved from: <https://t20argentina.org/es/publicacion/datos-mediciones-e-iniciativas-para-la-digitalizacion-inclusiva-y-el-futuro-del-trabajo/>
41. O'Reilly, T. (2015, August 14). Networks and the nature of the firms. Medium. Retrieved July 3, 2018, from <https://wtfeconomy.com/networks-and-the-nature-of-the-firm-28790b6afdcc28>
42. Orban, D. (2017). Blockchain technology and decentralized governance. In Global Challenges Quarterly Report: Global Governance in the Age of Disruptive Technology (pp. 59 - 63). Global Challenges Foundation. Retrieved from <https://api.globalchallenges.org/static/files/Global-Challenges-Quarterly-Risk-Report-November-2017.pdf>
43. Peña, F. & Schelp, A. M. (2018). A vision about regional contribution to a more effective global governance: the case of the multilateral international trade system. T20 Argentina. Retrieved from <https://t20argentina.org/wp-content/uploads/2018/06/TF8-8.2-Final-17-June-2018.pdf>
44. Rhydderch, A. (2017, March 04). The future of global governance. School of International Futures. Retrieved August 2, 2018, from <https://www.soif.org.uk/blog/future-global-governance/>
45. Scanlon Foundation. (2017) Social cohesion index. Scanlon Foundation. Retrieved August 2, 2018, from <http://scanlonfoundation.org.au/research/social-cohesion-index/>
46. Snower, D. J. (2018). The G20 at a crossroads: The future of global governance. T20 Argentina. Retrieved from <https://t20argentina.org/wp-content/uploads/2018/06/TF8-8.2-Final-17-June-2018.pdf>
47. Twomey, P. (2018). Building on the Hamburg Statement and the G20 Roadmap for Digitalization – Towards a G20 Framework for Artificial Intelligence in the Workplace. T20 Argentina. Retrieved from: <https://t20argentina.org/wp-content/uploads/2018/06/TF1-1-11-Policy-Briefs-T20ARG-Towards-a-G20-Framework-For-Artificial-Intelligence-in-the-Workplace.pdf>



48. Tzezana, R. (2017). How will disruptive technologies impact global governance? An expert survey. In *Global Challenges Quarterly Report: Global Governance in the Age of Disruptive Technology* (pp. 17-24). Global Challenges Foundation. Retrieved from <https://api.globalchallenges.org/static/files/Global-Challenges-Quarterly-Risk-Report-November-2017.pdf>
49. UN. (2015). World population ageing. *World Population Ageing* (Vol. United Nat). United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division (2015). <https://doi.org/ST/ESA/SER.A/390>
50. UN-Habitat. (2011). Hot cities: Battle-ground for climate change. *UN Habitat Global Report on Human Settlement 2011*. United Nations.
51. UN-Habitat. (2016). Urbanization and development: Emerging futures. *UN Habitat World Cities Report 2016*. United Nations. [https://doi.org/10.1016/S0264-2751\(03\)00010-6](https://doi.org/10.1016/S0264-2751(03)00010-6)
52. von Soest, C., & Grauvogel, J. (2017). Identity, procedures and performance: How authoritarian regimes legitimize their rule. *Contemporary Politics*, 23(3), 287–305. <https://doi.org/10.1080/13569775.2017.1304319>
53. Wike, R., Simmons, K., Stokes, B., & Fetterolf, J. (2017). Globally, broad support for representative and direct democracy. Pew Research Center. Retrieved from [www.pewresearch.org](http://www.pewresearch.org)
54. Woolley, S. C. (2016). Automating power: Social bot interference in global politics. *First Monday*, 21(4).
55. Zürn, M. (2018). Contested global governance. *Global Policy*, 9(1), 138–145. <https://doi.org/10.1111/1758-5899.12521>



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۶۶۶۹

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: حکمرانی در سال ۲۰۳۰ خلاصه راهبردی از:

Julia Pomares Belén Abdala , Global Governance in 2030 , T 20, 2018

نام دفتر: مطالعات سیاسی، (گروه مطالعات بنیادین حکومتی)

تهیه و تدوین: خالد شیخ الاسلامی

ناظر علمی: سیدیونس ادیانی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

#### واژه‌های کلیدی

۱. آینده حکمرانی
۲. ساختار حکمرانی
۳. حکمرانی جهانی
۴. نیروی آینده
۵. سناریو حکمرانی
۶. انقلاب دیجیتالی
۷. هوش مصنوعی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۷/۲۱